

بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آن‌ها

در شعر سیمین بهبهانی

دکتر الخاص ویسی*

فرتکیس عباس‌زاده**

چکیده

شاعران با به کارگیری توانایی‌های بالقوه زبانی می‌توانند در ایجاد بسترهای اجتماعی و فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. در طول حیات ادبی در ایران شاعران بسیاری چهره نموده‌اند و از حیث نوع‌آوری زبانی در شعر بر غنای زبان فارسی افزوده‌اند. از نظر ساخت‌گرایان هنجارگریزی یکی از موثرترین روش‌های برجستگی‌سازی و آشنایی‌زدایی در شعر است که بسیاری از شاعران کلاسیک و معاصر از آن بهره برده‌اند. در این راستا، سیمین بهبهانی از جمله شاعرانی است که در سرایش «شعر نو» از آموزه‌های صورت‌گرایان بهره برده است و به کاربست انواع فراهنجاریهای زبانی در غزل به عنوان مایه اصلی هنر شاعری خویش مبادرت ورزیده است. وی با قاعده‌افزایی و قاعده‌کاهی زبانی احساسات عاشقانه و عارفانه خود را بیان کرده و به بیان دیدگاه‌های فکری، فرهنگی و مذهبی خود اهتمام ورزیده است. بر این اساس، در این جستار با کنکاش در زوایای شعری دیوان این شاعر معاصر که به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. نوع‌آوری‌ها، گونه‌های هنجارگریزی زبانی و خلاقیت‌های هنری و آرایه‌های ادبی به کار گرفته شده به منظور خلق غزل سیاسی و اجتماعی در مجموعه اشعار او به روش توصیفی تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که بانوی غزل ایران به وفور از هنجارگریزی آوایی و معنایی در اشعارش بهره برده و نیز مشخص گردید که گریز از این هنجارهای زبانی چه تأثیری در میزان برجستگی و تشخیص سبکی شعر وی نسبت به شعر معاصرانش داشته است.

واژه‌های کلیدی

هنجارگریزی آوایی، هنجارگریزی معنایی، قاعده‌کاهی، قاعده‌افزایی

* دانشیار دانشگاه پیام نور، گروه زبان‌شناسی، پیام نور، ایران.

** دانشجوی دوره دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آبادان، مدرس دانشگاه پیام نور، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۵

۱- مقدمه

هنجارگریزی زبانی و آشنایی‌زدایی یکی از اساسی‌ترین مفاهیم مطرح در نظریه صورت‌گرایان روسی است. پیشینه این مفهوم به مباحث گذشته نظریه ادبی در مورد کاربرد عناصر مجازی در متون ادبی ارتباط می‌یابد. کاربرد مجازی واژگان، ذهن مخاطب را متوجه معانی تازه‌ای می‌کند و معناهای آشنا کم‌رنگ و بی‌اهمیت می‌شوند. شاعر با بهره‌گیری از شگردها و ترفندهای زبانی، امکانات دستوری و آوایی تلاش می‌کند تا در راستای تصورات و نگرش خود به پدیده‌ها و جهان پیرامونش متن ادبی و شعری خود را به چشم مخاطبان خود بیگانه و ناآشنا معرفی و بازنمایی کند. هدف او از این کار آشکار ساختن سریع یک معنی و مفهوم نیست، بلکه می‌خواهد در قالب زیبایی‌آفرینی مفاهیمی تازه خلق کند و بدین طریق باعث ایجاد حس تازه و شگفتی در مخاطب شود. صورتگرایی روسی که از آموزه‌های سوسور الهام گرفته است متون ادبی را از دیدگاه ساختاری می‌نگرد و با رها کردن مصادق‌ها در جهان بیرون، نشانه‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد و به دنبال دست‌یابی به چارچوبی برای نظریه ادبی است. بنابراین آنچه به عنوان «ادبیت» و مشخصه زبان ادبی مطرح بود و آن را از زبان معیار و متعارف متمایز می‌ساخت این بود که زبان معیار به روش‌های متفاوت تغییر می‌یابد.

گریز از زبان هنجار و رهایی از کارکردهای ارجایی واژگان زبان به کمک صنایع بلاغی و عناصر زیبایی‌شناختی، باعث پیدایش زبان ادبی می‌شود؛ از این رو می‌توان گفت هنجارگریزی به ویژه هنجارگریزی معنایی؛ که ارتباط تنگاتنگی با علم بیان و صنایع ادبی به کاررفته در آن دارد، عامل مهمی در نوآوری‌ها و آفرینش‌های ادبی به ویژه شعر به شمار می‌آید؛ از این رو، شگرد هنر، همین آشنایی‌زدایی است؛ یعنی دشوارکردن ادراک بیان (احمدی، ۱۳۸۵: ۳۰۹).

هنجارگریزی انحراف یا خروج از قواعد متعارف زبان است که می‌تواند کاربردی هنری داشته باشد که به برجسته‌سازی زبانی منجر می‌شود و با گریز از هنجارهای خودکار شده‌ی زبانی نقش زیبایی‌آفرینی را به دنبال داشته باشد. تفاوت اساسی میان شعر و کلام عادی حاصل

۱. Semantic Defamiliarization

بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ۲۵

مهارت شاعر در استفاده از «اختیارات شاعری» است که روی زبان انجام می‌دهد. این کار هر قدر هنرمندانه‌تر باشد، متن خلق‌شده هنری‌تر و زیباتر می‌شود. جفری لیچ^۱ (۱۳۶۹) هنجارگریزی را گزینش عناصری نامتعارف از میان امکانات بالقوه زبانی می‌داند. به عقیده وی قاعده‌کاهی^۲ و قاعده‌افزایی^۳ دو مجرای اصلی برجسته‌سازی زبانی است. او هنجارگریزی را ابزار شعرآفرینی و قاعده‌افزایی را اسباب نظم‌آفرینی می‌داند. این ابزار اگرچه ابزارهای صوری تحقق شعر و نظم را به خوبی به دست می‌دهد در عین حال می‌تواند در بررسی‌های سبک‌شناسی برای تعیین ویژگی‌های خاص سبکی آثار شعری کلاسیک و معاصر نیز مورد استفاده قرار گیرد. سبک در اصطلاح ادبیات، عبارت است از «روش خاص ادراک و بیان افکار از طریق ترتیب کلمات و اتخاذ الفاظ و طرز تعبیر. سبک به یک اثر ادبی از لحاظ صورت و معنی وجهه خاص خود را القا می‌کند و آن نیز به نوبه خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده در باره حقیقت است». سبک در معنی عام خود عبارت است از «تحقق ادبی یک نوع ادراک در جهان که خصایص اصلی محصول خویش را مشخص می‌سازد» (بهار، ۱۳۶۹: ص ج تا د).

بر خلاف آنچه در شعر معاصر به ویژه شعر سیمین بهبهانی به ذهن می‌رسد جنبه‌های معنایی و آوایی شعر او بر سایر ویژگی‌های آن غالب است. و در این رویکرد مسلماً اولین چیزی که جلب نظر می‌کند ویژگی‌های زبانی شعر اوست. بر این اساس حتی می‌توان از طریق سنجش میزان «انحراف از هنجارهای متعارف» اسباب تمایز سبکی وی را در این حوزه به طور ملموس و عینی بررسی کرد که البته این مهم خود تلاشی جداگانه می‌طلبد. با بررسی و تحلیل نوآوری‌ها و هنجارگریزی‌های زبانی سیمین بهبهانی در سطح زبان شعری متداول دوران او و مقایسه آن با مختصات شعری معاصرانش می‌توان به شاخصه‌های سبکی و عوامل تمایز شعر او نسبت به سایر شاعران پی برد. از طرفی دیگر علل عملکرد او بر زبان هنجار در نهایت علل دست‌یابی او به زبان شعر را شناخت. برجسته‌سازی‌های ادبی و هنجارگریزی زبانی مولفه

۱ Jeffrey Leech

۲ Rule Addition

۳ Rule Deletion

۲۶ ■ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

اساسی و مهمی در مطالعات سبک‌شناسی ادبی است و به نظر می‌رسد که این تلاش موجز و مختصر می‌تواند در این راستا مفید باشد.

سیمین بهبهانی با استفاده از هنجارگریزی‌های زبانی در پی دست یافتن به زبان شعری متمایزی بوده که بیان‌کننده روش تازه اوست و این‌گونه است که می‌خواهد شعرش بازتاب عقایدش و نمودار حالات و روحیات مخاطبان تازه‌جو باشد. به نظر می‌رسد که تاکنون مطالعات قابل توجهی در این خصوص پیرامون اشعار سیمین بهبهانی صورت نگرفته است و به همین سبب این جستار ضرورت می‌یابد. بخش قابل توجهی از تشخیص شعری سیمین بهبهانی مربوط به هنجارگریزی‌های او در بخش‌های آوایی، معنایی، نحوی، واژگانی، زمانی، سبکی و نوشتاری است که در پژوهشی حاضر به مصادیق هنجارگریزی در این دو حوزه پرداخته می‌شود.

۲- پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقات قابل توجهی در زمینه هنجارگریزی در اشعار سیمین بهبهانی صورت نگرفته است. در این بخش به برخی موارد که زمینه مشترکی و همگرایی با محورهای اصلی این تحقیق دارند می‌پردازیم.

در حوزه غزل امروز، علاوه بر بیان مسائل عاشقانه، بیان مسائل فلسفی، حکمی، سیاسی و اجتماعی در غزل جایگاه خاصی پیدا کرده است. بی‌گمان، برجسته‌ترین غزل‌های سیمین بهبهانی، در دوره دوم شاعری او، غزل‌هایی است با مضامین انسانی و اجتماعی. در واقع، همین غزل‌هاست که او را شاعری صاحب سبک و سخنوری مبدع معرفی کرده است. (شریفیان و پوینده پور، ۱۳۸۷: ۱۳۵۳)

سلیمی و کیانی (۱۳۹۰) به مطالعه هنجارگریزی‌های زبانی (نحوی، واژگانی، زمانی و نوشتاری) در اشعار مناصره شاعر معاصر فلسطینی بر مبنای الگوی هنجارگریزی پرداختند. وی گاهی با استفاده از عبارت‌ها و تمثیل‌های کهن، مضمونی از شعر پایداری پدیدآورده است که بهره‌گیری از چنین شگردی، سیمایی متمایز به سبک شعری وی بخشیده و موجبات تازگی

۲۷ ■ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ■

شکل بیان و در نتیجه افزایش دشواری فهم و گستردگی زمان ادراک حسی خواننده را فراهم آورده است. از نظر آنها، استفاده از زبان کهن و همنشینی شدن واژگان نو در کنار تمثیلات و کنایات پیشین، ایجاد دگرگونی در ساختار صرفی و نحوی جملات، استفاده از عناصر دیداری خط و تغییر در فرم نوشتار، سرپیچی از قواعد آوایی زبان، و ساخت واژگان و ترکیب‌های نو، از جمله هنجارگریزی‌هایی است که در سروده‌های مناصره، بسیار به چشم می‌خورد. این در حالی است که شیوه‌های دیگر عدول از زبان معیار که در تقسیم‌بندی هشت‌گانه لیچ از انواع هنجارگریزی جای دارد؛ یعنی هنجارگریزی گویشی، سبکی و معنایی، در شعر وی کمتر دیده می‌شود. رویکرد هنرمندانه مناصره، نشان از اصالت زبان شعری وی و علامت‌پایداری قومی است که تحولات تاریخی، هویت آن‌ها را دگرگون نکرده است، و غالباً به شعر وی نوعی برجستگی و تمایز بخشیده، او را صاحب سبک ویژه‌ای در شعر پایداری کرده است؛ اما، هنجارگریزی‌های او، گاهی نیز به بیراهه رفته، دچار افراط شده است به گونه‌ای که ساختارهای زبان فصیح را نادیده گرفته است.

مالمیر و کاظم‌زاده (۱۳۹۲) به بررسی هنجارگریزی واژگانی در اشعار سیمین بهبهانی پرداختند که برای حیات بخشیدن به زنجیره کلام خود، در ساخت واژه‌ها و ترکیبات جدید، هنرنمایی کرده است و موجب غنای هر چه بیشتر زبانش گشته است. نتایج تحقیق ایشان حاکی از آن بود که بیشترین ابداعات بهبهانی در حوزه اسم و صفت رخ داده است که از این میان، صفات مرکب ابداعی از پر بسامدترین واژه‌های ابداعی او به شمار می‌رود. بهبهانی گاهی اسم را با صفت و یا با فعل ترکیب کرده و گاهی فعل را با فعل و یا با صفت ترکیب نموده و واژه‌های بکر و بدیعی را خلق نموده است. در حوزه فعل، افعال ابداعی از لحاظ بسامدی فقیر هستند، اما به کارگیری همین تعداد اندک نیز بیان‌کننده قدرت تصرف و توانایی بهبهانی در زبان است.

روحانی و عنایتی (۱۳۹۴) آشنایی‌زدایی و هنجارگریزی دستوری را در شعر منوچهر آتشی بررسی نمودند و به این نتیجه رسیدند که در شعر آتشی نمونه‌های فراوانی از هنجارگریزی دستوری چه در سطح صرف (واژگان) و چه در سطح نحو دیده می‌شود. در سطح صرف، این

۲۸ □ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

هنجارگریزی با روشهایی چون ساخت واژگان جدید، کاربرد واژگان کهن، امروی و بومی شکل گرفته است و بدین دلیل واژگان به کار گرفته شده توسط آتشی از گستردگی زیادی برخوردار است. بومی‌گرایی یکی از ویژگی‌های شعر آتشی است و همین توجه به بوم‌زیست، باعث حضور گسترده واژگان خاص بومی و محلی جنوب کشور در شعر وی شده است. از سوی دیگر، کهن‌گرایی واژگانی نیز بسامد زیادی در شعر آتشی دارد و نقش مهمی در آشنایی‌زدایی شعرش ایفا نموده است. در سطح نحو نیز، نمونه‌های زیادی از هنجارگریزی دستوری شامل جابه‌جایی ارکان جمله، جابه‌جایی ارکان فعل مرکب، حذف، انواع تکرار، رقص ضمیر، تتابع اضافات، جمع‌بستن‌های غیر متعارف، کاربرد اضافه گسسته، ساخت‌های جدید وصفی و باستان‌گرایی نحوی. به چشم می‌خورد.

محمدی (۱۳۸۶) اشعر فروغ فرخزاد را از منظر سبک‌شناسی در چارچوب ساخت‌گرایی مورد بررسی قرار داده است. طبق بررسی وی، هنجارگریزی معنایی با بالاترین فراوانی بوده است و هنجارگریزی‌های زمانی، سبکی و نحوی به ترتیب در جایگاه بعدی قرار داشته‌اند ولی هیچ‌گونه هنجارگریزی آوایی، نوشتاری و گویشی در اشعار فرخزاد مشاهده نشد.

مدرسی و غنی‌دل (۱۳۸۸) آشنایی‌زدایی و هنجارگریزی واژگانی را در اشعار فروغ فرخزاد مطالعه کردند. نتایج مطالعات ایشان حکایت از آن دارد که فروغ با به کارگیری واژگان خاص و کاربرد طبیعی آنها و شکستن قراردادهای دستوری به ابداع ترکیبات ناآشنا دست می‌زند. استفاده از واژگان کهن و هم‌نشینی آنها با واژگان امروزی، کاربرد فعل‌هایی که با دیگر عناصر جمله همخوانی ندارد و نیز کاربرد زیاد کلمات عامیانه، همه نشان از هنجارگریزی فروغ و عدول وی از زبان معیار است.

رضایی (۱۳۷۶) به بررسی زبان‌شناختی ویژگی‌های سبکی اشعار نیما از منظر مکتب ساخت‌گرایی پرداخته است و پس از بررسی انواع هنجارگریزی‌ها، فراوانی هنجارگریزی معنایی را بیش از سایر هنجارگریزی‌ها گزارش کرده است. و دیگر هنجارگریزی‌ها (نحوی، زمانی، سبکی، واژگانی، آوایی و نوشتاری) در جایگاه بعدی قرار گرفته‌اند.

هنجارگریزی گویشی، کاربرد ساختاری غیر از زبان شعر است، کاربرد واژگانی که به یک گویش جغرافیایی خاص تعلق دارد و برای آشنایی مخاطب با محل زندگی شاعر و میزان تعلق وی به منطقه اقلیمی خویش است. در برخی موارد می‌بینیم که شاعر، ساخت‌هایی را از گویشی غیر از زبان هنجار، وارد شعر می‌کند، چنین انحرافی از زبان را هنجارگریزی گویشی می‌نامیم. (صفوی، ۱۳۸۳: ۴۹)

گاه شاعر، از نوعی هنجارگریزی سود می‌برد که لحن گفتاری آن، در شیوه نوشتاری، نمود نمی‌یابد. بنابراین شاعر، شیوه‌هایی را در نوشتار به کار می‌برد تا بتواند با تغییر در ساختمان نوشتاری آن، عناصری از زبان گفتار وارد می‌کند تا مفهومی ثانویه به سخنش ببخشد و با زبان جاری جامعه، به عنوان یک واقعیت زنده روبه‌رو می‌شوند. چنین هنجارگریزی سبکی نامیده می‌شود.

۲- روش پژوهش

روش کار در این مقاله بدین صورت بود که در ابتدا انواع هنجارگریزی‌ها در شعر سیمین بهبهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر این اساس محدوده پژوهش این مقاله بیش از ۲۲۲ مصراع از ۳۶ مجموعه شعر وی را شامل می‌گردد. در مجموع تعداد ۳۶ قطعه شعر از مجموعه اشعار وی بررسی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در ادامه شواهدی از اشعار سیمین بهبهانی برای هر مورد ارائه شده است. سپس اطلاعات آماری مربوط به میزان بسامد انواع هنجارگریزی‌ها به صورت جدول‌هایی در ذیل هر از موارد بررسی شده ارائه شده است. در این جستار، اساس بررسی انواع هنجارگریزی‌های زبانی در مجموعه غزلیات سیمین بهبهانی شامل موارد ذیل است: «فوق‌العاده»، «ناشناس»، «هدیه نقره»، «جیب‌بر»، «بستر بیماری»، «من با توام»، «ای زن»، «زن در زندان طلا»، «خون‌بها»، «آغوش رنج‌ها»، «معلم و شاگرد»، «نگاه آشنا»، «رقاصه»، «سرود نان»، «جای پا»، «حریر ابر»، «اذان»، «آرزو»، «موریانه غم»، «آتش دامنگیر»، «شمع جمع»، «ستاره در ساغر»، «کلاه نرگس»، «پیمان‌شکن»، «فریاد شکسته».

۱ Dialectual

۲ Stylistic

۳۰ □ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

«کایوس»، «نگاه تو»، «سودای محال»، «سنگ صبور»، «سه تار شکسته»، «اگر دردی نباشد»، «سکوت سیاه»، «سنگ کور» و «بازیچه» و «تسکین»، «فرشته آزادی» که برگرفته از دیوان اشعار زنده می‌باشد.

۴- چارچوب مفهومی

۴-۱- آشنایی زدایی و برجسته‌سازی

آشنایی زدایی در ادبیات معمولاً از طریق هنجارگریزی در کلام صورت می‌گیرد. هنجارگریزی، انحراف از قواعد حاکم بر زبان هنجار و عدم مطابقت با زبان متعارف است که موجب پویایی و عادت زدایی از زبان می‌شود. از نظر صورت‌نگرایان، شاعر از آشنایی زدایی در جهت برجسته‌سازی زبان خود بهره می‌گیرد، بدین وسیله در خودکاری زبان وقفه ایجاد می‌کند و توجه خواننده را به هنر متن جلب می‌کند.

لیچ (۱۹۶۹) زبان‌شناس انگلیسی، فراهنجاری را گریز از اصول و قواعد حاکم بر زبان معیار می‌داند و آن را به هشت نوع واژگانی، دستوری، آوایی، خطی، معنایی، گویشی، سبکی، باستان‌گرایی طبقه‌بندی می‌کند (ص ۵۲). وی فرایند برجسته‌سازی را به دو روش هنجارگریزی یا قاعده‌کاهی (شامل صناعات وابسته به بدیع معنوی است و باعث خلق شعر می‌شود) و قاعده‌افزایی (حاوی صنایع بدیل لفظی است و عامل ایجاد نظم می‌باشد) امکان‌پذیر می‌داند (ص ۱۲۹).

برجسته‌سازی سبک ادبی را در بر می‌گیرد و از نظر شمیسا (۱۶۲: ۱۳۸۱)، عدول برجسته هنری از زبان عادی و روزمره است که زیرمجموعه هنجارگریزی به شمار می‌رود. فرایند برجسته‌سازی، به کارگیری عناصر زبان به شیوه غیر متعارف است به طوری که نظر مخاطب را به خود جلب کند (صفوی: ۱۳۷۳، ۳۵۳۶).

زبان، امری خودکار و روان است که توجه انسان را به چیزی جلب نمی‌کند اما لغات، واژه‌ها و عبارات غیر منتظره و برجسته‌سازی در زبان عادی و خودکار وقفه ایجاد می‌کند و خواننده را به تأمل وادار می‌دارد و توجه او را از موضوع به سوی تکنیک‌های زبانی و بیانی جلب

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال سیزدهم ❖ شماره ۲۹

۳۱ ■ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ■

می‌کند به گونه‌ای که می‌توان گفت مهم‌ترین کارکرد زبان شاعرانه ویران کردن زبان معیار و در هم ریختگی آن است (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

برجسته‌سازی، فرآیندی آگاهانه است که به واسطه آن شاعر کلمات را با دقت به شکلی تازه و جدید کنار هم می‌چیند. بیش از این که به محتوا توجه داشته باشد به گزینش و ترکیب واژگانی توجه می‌کند و سعی دارد تا با اسلوب بیانی خاص خود به عوامل برجسته‌سازی دست پیدا کند. راه‌های شناخته شده تمایز زبان یا رستائیز کلمات دو گروهند: موسیقایی، زبان‌شناختی. گروه موسیقایی عوامل شناخته‌شده‌ای از قبیل انواع وزن، قافیه، ردیف، را در بر می‌گیرد و گروه زبان‌شناختی مجموعه عواملی است که به اعتبار تمایز نفس کلمات بیرون از خصوصیات موسیقایی آن‌ها موجب تمایز زبان می‌شود که شامل استعاره، مجاز، کنایه، آشنایی‌زدایی، ترکیبات زبانی می‌شود (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۱: ۸۷). موکاروفسکی معتقد است که زبان معیار مانند زبان علم با فرمول‌بندی‌ها و قواعد خود از برجسته‌سازی اجتناب می‌کند (موکاروفسکی، ۱۳۷۳: ۹۲).

قاعده‌افزایی یکی از شیوه‌های آشنایی‌زدایی در مکتب فرمالیسم روس است. در این شگردها قواعدی بر قواعد زبان معیار افزوده می‌شود که موجب برجسته‌سازی در متن ادبی می‌گردد. یاکوبسن معتقد است که «فرآیند قاعده‌افزایی چیزی نیست جز توازن در وسیع‌ترین مفهوم خود و این توازن از طریق تکرار کلامی حاصل می‌آید» (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۵۰) صناعتی که از طریق توازن حاصل می‌آیند، از ماهیتی یکسان برخوردار نیستند، به همین دلیل گونه‌های توازن را باید در سطوح تحلیلی متفاوتی بررسی کرد. تکرار موجب ایجاد موسیقی در زبان شعر می‌گردد (مدرسی و یاسینی، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

گفتیم که هنجارگریزی، ابزار شعرآفرینی و قاعده‌افزایی، اسباب نظم‌آفرینی است. شایان توجه است که تمام قاعده‌کاهی‌ها بهنجار نیستند؛ یعنی هرگونه قاعده‌کاهی در زبان خودکار نمی‌تواند در ایجاد یک اثر ادبی دخالت داشته باشد انواع قاعده‌کاهی در آثار مختلف کاربرد یکسانی ندارد و هر فردی بنا بر سبک و شیوه نوشتاری خود از آن سود می‌جوید (سجودی، ۱۳۷۷: به نقل از صالح، ۱۳۸۹: ۴۵۴۶).

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال سیزدهم ❖ شماره ۲۹

۳۲ □ بررسی گونه‌های هنجارگرایی زبانی و بسامد وقوع آنها...

۴-۲- هنجارگرایی (انحراف از معیار و مصادیق آن)

از دیدگاه ادبا و منتقدان شعر، عدول از صورت عادی زبان و شکستن نرم آن در شکل‌گیری شعر و عموماً یک محصول ادبی، ضروری به نظر می‌رسد. هنجارگرایی امروزه موضوع بحث سبک‌شناسی ادبی قرار گرفته است. از نظر شمیسا (۱۳۸۱: ۱۵۷)، فرمالیست‌ها زبان ادبی را انحراف از زبان معیار معرفی کردند و سبک را نیز بر همین اساس بررسی می‌کردند.

هنجارگرایی: یکی از مهم‌ترین عوامل پدید آورنده سبک متون ادبی محسوب می‌شود، به شرط آنکه در آثار شاعر یا نویسنده‌ای بسامد قابل توجهی داشته باشد، (داد، ۱۳۸۳: ۲۸۴۲۸۳). ویکتور شکلوفسکی (۱۹۱۷)، کار اصلی هنر را ایجاد تغییر شکل در واقعیت قلمداد می‌کند و هدف زبان ادب را بدین معنا که هدف زبان ادبی این است که با استفاده از شکل‌های غریب و غیرعادی که خلاف عادات ادراکی و احساسی ما هستند، فرم را برجسته کند و در نتیجه بسیاری از مسائل زیبایی‌شناسی را که امروزه بسبب کثرت استعمال عادی شده است، دوباره بکار برد (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۵۸).

حال در ادامه بررسی دقیق‌تر ویژگی‌ها و ابعاد گوناگون هنجارگرایی، به اختصار به هر یک اشاره خواهیم داشت.

هنجارگرایی واژگانی^۱ یکی از شیوه‌هایی است که بر مبنای آن، شاعر، از میان تمام ظرفیت‌های زبانی خود، دست به گزینش می‌زند. آن ظرفیت‌های زبانی، درحقیقت منبع ذخایر است که از عناصر گوناگونی مانند: زبان فصیح ادبی، زبان محاوره^۲ و عامیانه، کلیشه‌ها و سنت‌های شعری، اقتباس‌های زبانی و... سرچشمه می‌گیرد و شاعر در مرحله گزینش، برخی از واژه‌ها را حذف و برخی دیگر را جانشین آن‌ها می‌کند، چنین گزینشی باید در مسیر تعامل و تناسب با سایر عناصر ساختاری شعر باشد. (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۴) شاملو (۱۳۵۰) معتقد است که هر اندازه ذهن ما از وجود و کثرت کلمات غنی‌تر باشد، به همان اندازه اندیشیدن برایمان

^۱Lexical

^۲Colloquial

بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ۳۳

ساده‌تر و مایه دادن به ماده خام اندیشه‌ای که ذهن از آن بار برداشته ممکن‌تر و بیان آنچه در ذهن گسترش یافته سهل‌تر خواهد بود، چرا که اندیشیدن با کلمات صورت می‌گیرد، نه با اشکال و تصاویر (ص ظ).

در هنجارگریزی معنایی، شاعر با گریز از قواعد زبان معیار و خلق ترکیباتی در صدد آفرینش دنیایی است که از واقعیت متن خبر دهد نه از واقعیت جهان خارج اثر. این گونه ترکیبات اموری گزینشی هستند؛ یعنی به انتخاب هنرمند باز می‌گردند. (احمدی، ۱۳۷۷: ۲۷۳) در بیان استعاری، دو میدان معنایی می‌توان در نظر گرفت که اگرچه بنیان و آغازی جدا از هم دارند، ولی در ذهن آفریننده استعاره به هم پیوند می‌خورند و از راه این پیوند به معنا می‌رسند. یکی از این دو میدان آشکار است و آشنا و آن دیگری پنهان و ناآشنا. مختصات معنایی بخش آشکار، همه شباهت‌هایی را که موجود نیست می‌آفریند و به میدان دوم یا بخش پنهان استعاره راه می‌گشاید و دروازه‌های آن را بر دیگران نیز می‌گشاید (یاوری، ۱۳۷۳: ۱۵۳) گاهی شاعر تصرف هنری را در حد نسبت دادن یک خصوصیت انسانی^۱ به شیء بی‌جان با ایجاز و کوتاهی به کار میبرد و زمانی دیگر یک پدیده بی‌جان را انسان تصور کرده با بهره‌گیری از نیروی خیال، صفات و ویژگی‌های متعددی از انسان را در بیانی مفصل و گسترده به آن نسبت می‌دهد. (عقدایی، ۱۳۸۱: ۱۵۶)

«هنجارگریزی نوشتاری»^۲ از جمله هنجارگریزی‌هایی است که بیشتر در بعد بصری و دیداری آن آشکار می‌شود. نوع نوشتار شعر، در اولین و ابتدایی‌ترین شکل ارتباط یعنی ارتباط دیداری به ما می‌فهماند که با شعر روبه رو هستیم. «(صالحی‌نیا، ۱۳۸۲: ۸۳). این نوع شعر، نقاشی است که شاعر از معنا ترسیم می‌کند. به این نوع هنجارگریزی نگاره یا شعر تجسمی نیز می‌گویند (سنگری، ۱۳۸۶: ۲۶۱).

۱ Metaphoric Expression

۲ Personal Feature

۳ Written

۳۴ □ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

«هنجارگریزی نحوی، انحراف در روابط دستوری جملات است. مثل آنکه در زبان فارسی به جای «من می‌رود» گفته شود «من می‌رود» یا در انگلیسی، صفت را بعد از اسم قرار می‌دهند» (داد، ۱۳۸۵: ذیل هنجارگریزی).

هنجارگریزی زمانی آیا باستان‌گرایی، به استفاده از کلمات مهجور و قدیمی که امروزه کاربرد چندانی ندارند اطلاق می‌شود. بن جانس منتقد انگلیسی (۱۳۷۳) بر این باور است که کلماتی که از اعصار کهن اقتباس می‌شوند، نوعی شکوه و جلال به سبک می‌بخشند و خالی از لذت نیستند و با گذشت زمان، نوعی تازگی شکوهمند احراز می‌کنند (ص ۲۵۷).

صفوی (۱۳۷۳) معتقد است که هنجارگریزی آوایی آسپیچی از قواعد و ساختار آوایی زبان معیار و به کار بردن صورت آوایی است که در زبان روزمره مرسوم نیست (ص ۵۰). فراهنجاری آوایی در اشکال مختلفی چون قلب، حذف، اشباع، تشدید، تخفیف، ابدال^۹ و تسکین^{۱۰} واژگان نمود پیدا می‌کند.

در فرایند ابدال، نوعی دگرگونی آوایی رخ می‌دهد و یک واژه در برابر شکل متعارفش دارای تلفظ متفاوت می‌شود. در این نوع فرایند آوایی فتحه به جای کسره و الف به جای یاء به کار می‌رود. در اشباع که تبدیل مصوت کوتاه به بلند است که در محیط پایانی واژه رخ می‌دهد فرایند تخفیف عکس اشباع است یعنی مصوت بلند تبدیل به مصوت کوتاه می‌شود. در فرایند حذف آوایی برای تأثیرگذاری بیشتر و حفظ موسیقی شعر، صوت یا اصواتی حذف

۱ Syntactic

۲ Archaism

۳ Phonological

۴ Metathesis

۵ Deletion

۶ Lengthening

۷ Doubling

۸ Weakening

۹ Assimilation

۱۰ Prosodic Repose

۵- تحلیل هنجارگریزی‌ها (معنایی، نحوی، آوایی، زمانی، سبکی، نوشتاری، گویشی) در دیوان سیمین بهبهانی

در این پژوهش ۳۶ مجموعه شعر و ۲۲۲ مصراع مورد بررسی قرار گرفته‌اند و نوع هنجارگریزی در آن‌ها مشخص گردید. با توجه به نبود فضای کافی به منظور تجزیه و تحلیل اشعار، به برخی از این نمونه‌ها اشاره می‌کنیم.

۵-۲-۱- هنجارگریزی معنایی

رغبتی شیرین و طاقت سوز و تند (تجسم‌گرایی معنایی، به واژه «رغبت» در مصراع اول به عنوان اسمی انتزاعی ویژگی انسانی) «بخشیده است. به وضوح می‌توان نوعی حسن‌آمیزی^۳ را بین واژگان «رغبت» و «تند» مشاهده کرد.

وان خیال زنده را در بر گرفت («خیال زنده» نوعی شخصیت‌بخشی است که در آن شاعر به اسمی انتزاعی تجسم‌گرایی و انسان‌پنداری بخشیده است).

داور اندیشه مغشوش او («داور اندیشه» هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی و انسان‌پنداری است که در آن شاعر به اسم انتزاعی «اندیشه» ویژگی انسانی «قضاوت و داوری» عطا کرده است.

(تسکین: ۱۲)

دیو، بی‌رحم و خشمگین، او را («دیو، بی‌رحم و خشمگین» هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی، انسان‌پنداری، ویژگی بی‌رحم و خشمگین بودن انسان را به دیو که موجودی افسانه‌ای است نسبت می‌دهد)

نیزه در سینه و گلو کرده

۱ Personification

۲ Abstract

۳ Synthesis

۳۶ □ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

مشتی از خون او به لب برده

پوزه خود در آن فرو کرده

زوزه از سرخوشی برآورده («زوزه از سرخوشی» هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی، حیوان‌پنداری، ویژگی زوزه کشیدن گرگ را به دیو نسبت داده است)

جامه صبر خویشچک نکرد («جامه صبر» هنجارگریزی معنایی، تجریدگرایی، مشخصه معنایی انتزاعی «صبر» به «جامه» که جسم و ملموس است تشبیه شده است)

(فرشته آزادی ۴: ۳)

چشم ظاهر بین سیمین کور بود («چشم سیمین کور» هنجارگریزی معنایی، تجریدگرایی، شاعر در این مصراع باطن و نهان انسان را به چشم ملموس نسبت می‌دهد. بدین معناست که استعاره از انسان‌هایی است که فقط به ظواهر دنیوی وابسته بوده و از توجه به حیات اخروی غافل مانده‌اند.)

(هدیه‌ی نقره: ۷)

این شوخ چشم دختر گل پیکر («شوخی چشم» هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی و انسان‌پنداری که ویژگی شوخ بودن انسان را به چشم تشبیه کرده است و «دختر گل پیکر» هنجارگریزی واژگانی که با الهام از اسم مرکب «غول‌پیکر» با معنی منفی، واژه جدید را با معنای جدید «خوشاندام بودن» دختر را به خواننده نشان می‌دهد.)

آهنگ ناتمام چه کس بودم؟ («آهنگ ناتمام چه کس بودم؟» هنجارگریزی معنایی و عدم تجسم‌گرایی. سیمین بهیچانی، آهنگ و موسیقی را به عنوان پدیده‌ای غیر ملموس به انسان نسبت می‌دهد)

آشوب دردخیز به پا کردم («دردخیز» به معنای «دردناک و رنج‌آور» هنجارگریزی واژگانی سیمین، این واژه را بر وزن «سحرخیز» ساخته است.)

فردا گل امید بروید باز («گل امید» هنجارگریزی معنایی، تجریدگرایی، شاعر واژه «امید» را که انتزاعی است به «گل» به عنوان پدیده‌ای ملموس نسبت می‌دهد)

(بستر بیماری: ۱۳-۱۱)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال سیزدهم ❖ شماره ۲۹

بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ۳۷

آن ماه سیمگون دل افروزی (ماه سیمگون دل افروزی) به معنای «ماه آسمان است که به دل روشنی می‌بخشد». هنجارگریزی معنایی، ماه یک سیال است که به دل انسان می‌تابد و باعث روشنی آن است)

بند نفاق پای تو می‌بندد (بند نفاق) هنجارگریزی معنایی، تجریدگرایی شاعر واژه ملموس «بند» را، به «نفاق» به عنوان اسمی انتزاعی، نسبت داده است.

(ای زن: ۱۶-۱۴)

به کس این چشم پر نازم نگوید (چشم پرنام) هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی و انسان‌پنداری، ویژگی انسانی «ناز کردن» به چشم نسبت داده شده است)

نگوید مرغک افتاده در دام (نگوید مرغک) هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی و انسان‌پنداری، ویژگی انسانی «سخن گفتن» به «مرغ» که حیوان است نسبت داده شده است)

(زن در زندان طلا: ۱۸-۱۶)

مرکبی از توانگری مغرور (مرکبی مغرور) هنجارگریزی معنایی، تجریدگرایی، شاعر خصلت انسانی «غرور» را به «مرکب» که جسم است نسبت می‌دهد.

(خون‌بها: ۱۸)

اینک درین کشمکش تحقیر (در این) هنجارگریزی آوایی فرآیند تخفیف و «کشمکش تحقیر» هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی و انسان‌پنداری، ویژگی درگیری بین «آدم‌ها» را به واژه «تحقیر» که اسمی انتزاعی است نسبت می‌دهد)

هنگام رستخیز ثمربخش (رستخیز) هنجارگریزی آوایی فرآیند حذف)

(نگاه آشنا: ۲۵)

چون ز گریبان شب، سپیدی مهتاب (گریبان شب) هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی، شاعر عضو بدن انسانی و حیوانی را با واژه «گریبان» به «شب» نسبت می‌دهد.

از پی لختی سکوت... فقهه‌یی چند (لختی سکوت) هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی، انسان‌پنداری، شاعر، ویژگی انسانی «برهنه بودن» را به «سکوت» واژه انتزاعی نسبت می‌دهد.

(رقاصه: ۲۸-۲۵)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال سیزدهم ❖ شماره ۲۹

۳۸ □ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

در پهن دشت خاطر اندوهبار من («دشت پهن خاطر» هنجارگریزی معنایی، تجریدگرایی، واژه «خاطر» که اسمی انتزاعی است دارای خصیصه عینی و ملموس «دشت پهن» شده است) بر سنگلاخ وی، ره دیدار بسته است («سنگلاخ وی» هنجارگریزی معنایی، و عدم تجسم‌گرایی است. شاعربه انسان ویژگی بی‌جان بودن بخشیده است) این دشت سرد غمزده را آفتاب کن («دشت غمزده» هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی و انسان‌پنداری، به دشت ساکن ویژگی انسانی بخشیده است)

(جای پا: ۳۱)

گفتی حریر ابر به رخسار ماه بود («حریر ابر» هنجارگریزی معنایی، شاعر به ابر سیال ویژگی ملموس بخشیده است)

پرسیدم از گذشته و، یک دم سکوت کرد («حریر ابر سکوت کرد» هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی و انسان‌پنداری، که در آن «سکوت» به «ابر» نسبت داده شده است و «حریر ابر» نوعی تجریدگرایی و هنجارگریزی معنایی است. شاعر به «ابر» که پدیده‌ای سیال است، ویژگی ملموس «حریر» بخشیده است.)

(حریر ابر: ۳۱-۳۲)

مخمل بیدار و خواب آتشی («مخمل بیدار» هنجارگریزی معنایی، تجریدگرایی، به پدیده‌ای عینی و ملموس، بیدار بودن غیر ملموس را نسبت داده است) در سکوت احترام انگیز شام («سکوت احترام انگیز» هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی، انسان‌پنداری و جان‌بخشی، ویژگی «احترام گذاشتن» انسان به «سکوت» انتزاعی نسبت داده شده است)

(اذان: ۳۲-۳۳)

لعل خندیده بر دشمنانش («لعل خندید» هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی، انسان‌پنداری و جان‌بخشی، ویژگی «خندیدن» انسان به «لعل» نسبت داده شده است)

(آرزو: ۳۳-۳۴)

بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ۳۹

من بت چوبین کهنه معبد عشقم («بت عشقم» هنجارگریزی معنایی، تجریدگرایی، شاعر واژه «بت» به عنوان پدیده‌ای «ملموس» را به «عشق» انتزاعی نسبت می‌دهد)

(موریانه غم: ۳۴-۳۵)

ز شب نیمی گذشت و پرتو ماه

به کنج کلبه‌ام ناخوانده سر زد (پرتو ماه ناخوانده سرزد هنجارگریزی معنایی، ویژگی «ناخوانده سر زدن» انسان به «ماه» به عنوان سیال نسبت داده شده است)

رخش از مستی او راز می‌گفت («رخش راز می‌گفت» هنجارگریزی معنایی، انسان‌پنداری است که خصالت «رازداری» انسان به «اسب» نسبت داده شده است)

(آتش دامنگیر: ۳۷۳۶)

سیمین! درخت عشق شدی پاک سوختی («درخت عشق» هنجارگریزی معنایی، تجریدگرایی، اسم انتزاعی «عشق» به درخت که گیاه است نسبت داده شده و کلمه «پاک» هنجارگریزی آوایی، فرایند تخفیف)

(شمع جمع: ۳۸)

زنجیر ز پای دل دیوانه گسستم («زنجیر از پای دل» هنجارگریزی معنایی، تجریدگرایی، به «دل» پدیده انتزاعی، مشخصه ملموس (زنجیر) اعطا کرده است)

(پیمان‌شکن: ۳۹)

چنگ انداختم به پیکر شب («پیکر شب» هنجارگریزی معنایی، تجریدگرایی، به «شب» ویژگی جسم (پیکر) اعطا کرده است)

همره کاروانیان نسیم («کاروانیان نسیم» هنجارگریزی معنایی، تجریدگرایی، به «نسیم» به عنوان امری انتزاعی، مشخصه انسانی و ملموس «کاروان» نسبت داده است)

جان پر موج و نرم من لرزید («جان نرم» هنجارگریزی معنایی، حس‌آمیزی، شاعر کلمه «جان» را به همراه واژه «نرم» که مربوط به حس لامسه است آورده است)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال سیزدهم ❖ شماره ۲۹

۴۰ ■ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

(کابوس: ۴۳-۴۰)

همچو تیز از چه روی دل‌دوزست؟ («دل دوز است» هنجارگریزی واژگانی هنجارگریزی آوایی فرآیند تخفیف).

چشم مست تو صد زبان دارد («چشم صد زبان دارد» هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی، انسان‌پنداری و جان‌بخشی، ویژگی «چند زبانه بودن و رفتار کلامی» انسان را به «چشم» تشبیه نسبت می‌دهد.

(نگاه تو: ۴۴-۴۳)

به عروس محال می‌بندم؟ «عروس محال» هنجارگریزی معنایی، تجریدگرایی، «عروس» به عنوان پدیده‌ای عینی را به مشخصه انتزاعی و غیر ملموس «خیال» نسبت می‌دهد.

(سودای محال: ۴۵-۴۴)

ای کاش عشق تند حسودم («عشق تند» هنجارگریزی معنایی، حس‌آمیزی با تشبیه «عشق» به «تندی» تأثیر آن را دو چندان کرده است و «عشق حسود» هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی و جان‌بخشی که در آن خصوصیت حسادت انسان به «عشق» انتزاعی نسبت داده شده است.

کان گفته را گواه بیارد («گفته را گواه بیارد» هنجارگریزی معنایی، تجسم‌گرایی و انسان‌پنداری، شاعر با آوردن واژه «گفته»، ویژگی «گواه بودن» انسان را نسبت می‌دهد.

(سکوت سیاه: ۵۰-۴۹)

بر من منگر زانکه به جز تلخی اندوه («تلخی اندوه» هنجارگریزی معنایی، نوعی حس‌آمیزی که «اندوه» واژه انتزاعی را به «تلخی» که حس چشایی است نسبت می‌دهد.

سودای تو را ای بت بی‌مهر! به سر داشت («بت بی‌مهر» هنجارگریزی معنایی، تجریدگرایی، شاعر با زیرکی تمام بی‌مهری معشوق را به بت که جسم است تشبیه می‌کند)

من گور ویم، گور ویم، بر تن گرمش («من گوراو هستم، گور او هستم» هنجارگریزی معنایی، شاعر خود را به قبر تشبیه کرده تا نزدیکی بیشتری به معشوق مرده‌اش داشته باشد)

■ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال سیزدهم ❖ شماره ۲۹

بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ۴۱

(سنگ گور: ۵۱)

۲-۲-۵- هنجارگریزی آوایی

آرزویی، همچو نقشی نیمه رنگ «همچون» - هنجارگریزی آوایی، فرایند حذف نون در پایان و تژه حذف می‌گردد)

ره، چه زیبا و چه مهر آمیز بود «راه» - کهن‌گرایی واژگانی، هنجارگریزی آوایی فرایند تخفیف، الف بعد از (ر) و قبل از (ه) تقلیل می‌یابد)

اشک شوقی پیش پای او فشاند «افشاند» - هنجارگریزی آوایی فرایند حذف می‌شود) نام آن کس کز هوس هر شامگاه (هنجارگریزی آوایی فرایند حذف در این کلمه چون ه چسبان در آخر کلمه کوتاه تلفظ می‌شود و بعد از آن (أ) آمده است، پس برای تلفظ راحت‌تر حذف می‌گردد)

(تسکین: ۱۲)

تا سر اهرمن به خک افتد «خاک» - هنجارگریزی آوایی فرایند تخفیف در این واژه (ا) تقلیل می‌یابد)

(فرشته‌ی آزادی: ۴)

چیست این، اختری ست عالمتاب «اختری عالمتاب است» هنجارگریزی آوایی فرایند حذف، (ا) در است حذف می‌گردد به این دلیل که کلمه قبل از آن به (ی) کشیده ختم می‌شود)

نگهی سخت آشنا داری «نگاهی» - هنجارگریزی آوایی فرایند تخفیف این کلمه از (ا) به - تخفیف یافته است)

(ناشناس: ۷۶)

ارم بود و با من راز گفت «آرام» هنجارگریزی آوایی فرایند تخفیف در این واژه، () بعد از

1 Weakening

2 Deletion

۴۲ □ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

(ر) به - تخفیف می‌یابد)

چهر از استاد سیلی خورده‌اش («چهره» - هنجارگریزی آوایی فرایند حذف، (ه) چسبان در انتهای واژه حذف شده است)

(هدیه نقره: ۷-۹)

بیخبر از غم نکامیی خویش («ناکامی» - هنجارگریزی آوایی فرایند تخفیف، الف به - کاهش می‌یابد)

بفزایند هزاران دگر («ببفزایند» هنجارگریزی آوایی، فرایند حذف، (ی) بعد از (ب) و قبل از (ب) حذف می‌گردد.

(جیب بر: ۹-۱۱)

زردی؟ نه! سفید؟ نه! سیه، نه («سیاه» هنجارگریزی آوایی، فرایند تخفیف که در آن الف بعد از سین و قبل از (ه) کاهش یافته است)

(من با توام: ۱۴)

به گوهرهای خود قیمت فزوده («افزوده» - هنجارگریزی آوایی فرایند حذف الف از ابتدای واژه) چنین زن، زرخیز شوی خود نیست
(«چنین» هنجارگریزی آوایی، تشدید مخفف که در آن شاعر واج یک واژه را تکرار یا مشدد می‌کند)

(زن در زندان طلا: ۱۸-۱۶)

خیره در طفل ماند، لال و خמוש («خاموش» هنجارگریزی آوایی فرایند تخفیف، الف بعد از خاء به - تنزل می‌یابد)

(آغوش رنج‌ها: ۲۰)

کین توز و خشمگین، تو نبودی؟ («کینه‌توز» هنجارگریزی آوایی فرایند حذف، (ه) بعد از (ن) و قبل از (ت) حذف شده است)

(نگاه آشنا: ۲۵)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال سیزدهم ❖ شماره ۲۹

بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ۴۳

هرچه خوبی، هر چه پکی، هرچه نور («پاکی» هنجارگریزی آوایی، فرایند تخفیف الف به)
(اذان: ۳۳)

نیم چو پرتو مهتاب تا نخوانده، شی («نیستم» هنجارگریزی آوایی، فرایند حذف، در این
فرایند سین بعد از تاء و تا قبل از میم حذف شده‌اند)

(کلاه نرگس: ۳۹)

بر خاطر خسه‌ام ببخشای («خسته‌ام» هنجارگریزی آوایی فرایند حذف تا بعد از سین)
بر خاک ره اوفتاد و بشکست («افتاد» - هنجارگریزی آوایی فرایند اشباع «او» به « »)
(سه تار شکسته: ۴۷)

۴۴ □ بررسی گونه‌های هنجارگیزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

۵-۲-۳- هنجارگیزی نحوی

پیش او، بنوشته طوماری نهاد (طوماری بنوشته» به معنای «یادداشتی بلند»، هنجارگیزی نحوی: تقدم صفت بر موصوف)

(تسکین: ۲)

ناشکیبا نشد ز دوری دوست (از دوری دوست ناشکیبا نشد» هنجارگیزی نحوی، جابه‌جایی ارکان فعل مرکب)

(فرشته آزادی: ۴)

طفل را افکندم و بگریختم (بگریختم» به معنای «فرار کردم»، هنجارگیزی نحوی، استفاده از پیشوند «ب» بر سر فعل)

(فوق‌العاده: ۶)

می‌رهید از عطش سوزانی (از عطش سوزانی می‌رهید» هنجارگیزی نحوی، تقدم فعل بر متمم)

هست در مکتب یاران دگر (در مکتب یاران دیگر هست» هنجارگیزی نحوی، تقدم فعل بر مسند الیه و "دیگر" هنجارگیزی آوایی فرآیند تخفیف)

(جیب بر: ۹-۱۰)

بس کن دگر، شکنجه مرا بس کن (دیگر شکنجه مرا بس کن» هنجارگیزی نحوی، تقدم فعل بر فاعل)

(بستر بیماری: ۱۲)

بالاتری از نژاد و از رنگ (از نژاد، رنگ بالاتر هستی» هنجارگیزی نحوی، تقدم مسند و فعل بر مسندالیه)

(من با توام: ۱۴)

نی بهر عاشقی و نه شیدایی (برای عاشقی و شیدایی نیست» هنجارگیزی نحوی، تقدم نشانه نفی «نی» در ابتدای جمله)

(ای زن: ۱۴)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال سیزدهم ❖ شماره ۲۹

بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ۴۵

مرا عار آید از کاخی که در آن «مرا عار آید» به معنای «زینت‌بخش من است» هنجارگریزی نحوی، تقدم فعل بر مفعول)

(زن در زندان طلا: ۱۷)

بی صدا، گشته بیرون زر و زن «بیرون گشته» به معنای «بیرون آمدن» هنجارگریزی نحوی، جا به جایی ارکان فعل مرکب)

خواستم بوسمش چهر و گویم «خواستم چهره او را بوسم» هنجارگریزی نحوی، تقدم فعل بر مفعول)

سوختم از غم و کس ندانست «از غم سوختم» هنجارگریزی نحوی، تقدم فعل بر مسندالیه (معلم و شاگرد: ۲۴-۲۱)

شد هماهنگ ناله سازش «هماهنگ شد» هنجارگریزی نحوی، جا به جایی ارکان فعل مرکب)

می‌دوم سوی ساز کهنه خویش «به سوی ساز می‌دوم» هنجارگریزی نحوی، تقدم فعل (سرود نان: ۲۹)

می‌گسترم نگاه اسفبار خود بر او «نگاه خود را می‌گسترانم» هنجارگریزی نحوی، تقدم فعل بر مفعول)

بر می‌کشم خروش که: این جای پای اوست «خروش بر می‌کشم» به معنای «فریاد می‌کشم» هنجارگریزی نحوی، جا به جایی ارکان فعل مرکب)

(جای پا: ۳۱)

می‌فروشد نازها بر مشتری «نازها می‌فروشد» هنجارگریزی نحوی، جابه‌جایی ارکان فعل مرکب (اذان: ۳۳)

آخر نه جایگاه سرت بود سینه‌ام؟ «سر تو تکیه‌گاهی برای سینه‌ام بود» هنجارگریزی نحوی، تقدم نشانه نفی «نه» بر جمله)

سودای عشق بود و گذشتیم مان ز جان «از جانمان گذشتیم» هنجارگریزی نحوی، تقدم فعل (شمع جمع: ۳۸)

۴۶ □ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

خمیده پشت، چو نرگس، نمی‌توانم («پشت خمیده» هنجارگریزی نحوی، تقدم صفت بر موصوف)

نخفت دیده سیمین ز تاب دوری دوست («دیده سیمین نخفت» به معنای «چشم سیمین به خواب نرفت» هنجارگریزی نحوی، جابه‌جایی ارکان فعل مرکب)

(کلاه نرگس: ۳۹)

گفتمش از بی چه می‌گردی؟ («به او گفتم» هنجارگریزی نحوی، تقدم فعل بر فاعل)
می‌زند داغ مرگ، بر لب تو («بر لب تو داغ مرگ می‌زند» هنجارگریزی نحوی، تقدم فعل بر مفعول)

کرد پرتاب سوی گفته من - («پرتاب کرد» هنجارگریزی نحوی، جابه‌جایی ارکان فعل مرکب)

هر چه کردم تلاش، راه نبود («هرچه تلاش کردم» هنجارگریزی نحوی، جابه‌جایی ارکان فعل مرکب)

(کابوس: ۴۰)

بر سنگ سخت تیره فرو می‌خواند («فرو می‌خواند» هنجارگریزی نحوی، به کار بردن پیشوند «فرو» بر فعل «خواندن» که به معنای فرود آمدن می‌باشد)

(سنگ صبور: ۴۵)

۲-۵-۴- هنجارگریزی زمانی

نوعروسی تازه را کابین دهد («کابین» به معنای «ازدواج و عقد زناشویی» کهن‌گرایی واژگانی)
(تسکین: ۱۲)

بیم فردایی، غم دوشینه‌بی («دوشینه‌بی» به معنای «دیروز» هنجارگریزی زمانی)
آوخ آوخ، از ظرافت دور بود («آوخ آوخ» به معنای «دریغ و افسوس» کهن‌گرایی واژگانی)
(هدیه نقره: ۹۷)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال سیزدهم ❖ شماره ۲۹

بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ۴۷

اگر رشک‌آفرین دیگرانم «رشک‌آفرین» به معنای «در حسرت تو بودن» هنجارگریزی
زمانی)

دمادم با تجمل آشناتر «دمادم» به معنای «در تمام لحظات» هنجارگریزی زمانی
(زن در زندان طلا: ۱۸)

که به رد عطیه و انعام («عطیه» به معنای «هدیه» کهن‌گرایی واژگانی)
رشته عمر و زندگی بزم («رشته» به معنای «حسرت دنیا» کهن‌گرایی واژگانی)
(آغوش رنج‌ها: ۲۰)
تا ز خراباتیان مرا برهانند؟ «خراباتیان» به معنای «خلافکار و بزهکار» هنجارگریزی زمانی
است که سیمین این واژه مهجور را وارد زبان معیار کرده است
(رقاصه: ۲۸)

کس چون من آشفته و غمین و دژم نیست «دژم» به معنای «ناراحت» کهن‌گرایی واژگانی،
که اکنون کاربردی ندارد)

(موریانه غم: ۳۵)

مجمر تو را کجا شد و خکستر تو کو؟ «مجمر» به معنای «منقل و آتش دان» هنجارگریزی زمانی
(شمع جمع: ۳۷)

کاینان هزار صورت و صد رنگند «کاینان» - کهن‌گرایی واژگانی
(سنگ صبور: ۴۵)

۵-۲-۵ - هنجارگریزی واژگانی

با فضای تنگ دودآلود او («دودآلود» به معنای «احساس خفقان» هنجارگریزی واژگانی، بر
وزن «مه‌آلود» آمده است)

(هدیه نقره: ۷)

این شوخ چشم دختر گل پیکر («دختر گل پیکر» هنجارگریزی واژگانی که با الهام از اسم
مرکب «غول‌پیکر» با معنی منفی، واژه جدید را با معنای جدید «خوش‌اندام بودن» دختر را به

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال سیزدهم ❖ شماره ۲۹

۴۸ □ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

خواننده نشان می‌دهد.)

آشوب دردخیز به پا کردم (دردخیز» به معنای «دردناک و رنج‌آور» هنجارگریزی واژگانی. سیمین، این واژه را بر وزن «سحرخیز» ساخته است)

(بستر بیماری: ۱۱)

ای مادر خجسته فرخ پی («فرخ‌پی» به معنای «نامی است که شاپور ذوالاکتاف به کنیز رومی که او را از اسارت رومیان رهنیده بود داد» هنجارگریزی واژگانی)

(ای زن: ۱۴)

داد دل زار و خسته را بستاند («دل زار» به معنای «اندوهگین و آزرده خاطر» هنجارگریزی واژگانی، که شاعر آن را با الهام از واژه «شالیزار» به کار برده است و واژه‌ای جدید ساخته است) (رقاصه: ۲۷)

آتش‌انگیزان مرموز سپهر («آتش‌انگیزان» هنجارگریزی واژگانی، که شاعر بر حسب واژه روح‌انگیز، دست به ابداع ترکیبی نو زده است)

(اذان: ۳۲)

گرم و هستی ده و دل افروزست («دل‌افروز» هنجارگریزی واژگانی، با استفاده از کلمه «مهرافروز»، واژه جدیدی خلق کرده است)

(نگاه تو: ۴۳)

۵-۲-۶ - هنجارگریزی سبکی

جامه و قنداق نو پوشاندمش («قنداق» هنجارگریزی سبکی، این واژه از زبان گفتار وارد شده است)

(فوق‌العاده: ۵)

همصدای تق تق ابزار کار («تق تق» هنجارگریزی سبکی و آوایی، این واژه نوعی اسم صوت است که از زبان گفتار وارد شده است)

(هدیه نقره: ۸)

بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ❏ ۴۹

مرا پاس پشیزی هم ندارند («پشیزی» هنجارگریزی سبکی، این واژه از زبان گفتار وارد نوشتار شده است که به معنای «خیلی ناچیز» است)

(زن در زندان طلا: ۱۶)

در دل میخانه سخت ولوله افتاد («ولوله» هنجارگریزی سبکی، این واژه از زبان گفتار وارد نوشتار شده است که به معنای «شلوغی و سر و صدا» است)

قهقهه و نعره در فضا به هم آمیخت («قهقهه» هنجارگریزی سبکی و آوایی نوعی اسم صوت است که از زبان گفتاری آمده است)

«نعره» هنجارگریزی سبکی، این واژه از زبان گفتار وارد نوشتار شده است که به معنای «فریاد» می‌باشد)

سوز آوازه خوان دَف در دست («دَف» هنجارگریزی سبکی، این واژه از زبان گفتار وارد نوشتار شده است)

(سرود نان: ۲۸)

از پا فتاده‌ای ز چه؟ بال و پر تو کو؟ (واژه «کو» به معنای «کجاست» - هنجارگریزی سبکی است که شاعر آن را از زبان گفتار این واژه را وارد زبان نوشتار کرده است)

این کلاف سر در گم یادگار آن گیسوست (عبارت «کلاف سر در گم» نوعی هنجارگریزی سبکی است که از زبان گفتار وارد شده است)

(ستاره در ساغر: ۳۸)

فریادزنان، ناله کنان عربده جویان («عربده» به معنای «فریاد» - هنجارگریزی سبکی، از زبان گفتار وارد شده است)

(بیمانشکن: ۳۹)

۵-۲-۷- هنجارگریزی نوشتاری

همصدای تق تق ابزار کار («تق تق» هنجارگریزی سبکی و آوایی، این واژه نوعی اسم صوت است که از زبان گفتار وارد شده است)

(هدیه‌ی نقره: ۹۷)

۱۵۰ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

گاه لرزیده‌ام از سردی‌ی دی («سردی‌ی دی» هنجارگریزی نوشتاری، تکرار واجی به منظور ایجاد تأثیری خاص در خواننده)

گاه نالیده‌ام از گرمی‌ی ی تیز («گرمی‌ی ی تیز» هنجارگریزی نوشتاری، تکرار واجی به منظور انتقال معنای واژه خاص «گرمی» به خواننده)

(جیب بر: ۱۱-۹)

یک امشبم بیخس که یک امشب («یک امشبم» هنجارگریزی نوشتاری که در آن شاعر این واژه را به منظور تأکید دو بار تکرار کرده است)

از کینه و ستیزه پی‌گیرت («پیگیرت» هنجارگریزی نوشتاری، شاعر با جدا کردن تکواژهای این کلمه تأکید بیشتر را به خواننده می‌رساند)

(ای زن: ۱۴)

از چه با خود کتابی نداری؟ / می‌خرم؟ / کی؟ / همین روزها
آه

(هنجارگریزی نوشتاری شاعر برای بهتر منتقل کردن احساسات و عواطف، واژگان و عبارات را در سطرهای جداگانه می‌نویسد)

(معلم و شاگرد: ۲۳)

اوست / آری اوست / ای او... خداست

(هنجارگریزی نوشتاری، شاعر واژگان را در سطرهای جداگانه‌ای آورده است تا پیام خود را به خواننده بهتر منتقل کند)

(اذان: ۳۳-۳۲)

آه، ای تیرای تیر دلدوز («ای تیرای تیر» هنجارگریزی نوشتاری، تکرار واژگان)

آه، ای خارای خار جانسوز («ای خارای خار» هنجارگریزی نوشتاری، تکرار واژگان)

ای، ای گرگ ای گرگ وحشی («ای گرگ ای گرگ» هنجارگریزی نوشتاری، تکرار واژگان)

❑ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال سیزدهم ❖ شماره ۲۹

بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ۵۱

آتش ای آتش ای شعله‌ی مرگ (« آتش ای آتش» هنجارگریزی نوشتاری، تکرار واژگان)
سوختی، سوختی پیکرم را («سوختی سوختی» هنجارگریزی نوشتاری، تکرار واژگان)
(آرزو ۳۳-۳۴)

۶- تجزیه و تحلیل داده‌های آماری

در این قسمت از نوشته به صورت اجمالی، به تجزیه و تحلیل انواع هنجارگریزی‌ها که در غزل‌های بهبهانی بکار گرفته شده‌اند، می‌پردازیم:

۵۲ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

جدول ۱. فراوانی و درصد هنجارگریزی معنایی در اشعار سیمین بهبهانی

فهرست آثار	تجریدگرایی	جان‌بخشی		حس آمیزی
		انسان‌پنداری	حیوان‌پنداری	
۱- تسکین		۵		
۲- فرشته‌ی آزادی	۱	۱	۱	
۳- هدیه نقره	۲			
۴- بستر بیماری	۱	۱		۱
۵- ای زن	۲			
۶- زن در زندان طلا	۱	۲		
۷- خون‌بها	۱			
۸- نگاه آشنا		۱		
۹- رقاصه		۲		
۱۰- جای پا	۱			۱
۱۱- حریر ابر	۱	۱		
۱۲- اذان	۱	۱		
۱۳- آرزو		۱		
۱۴- موریانه غم	۱			
۱۵- آتش دامنگیر	۱	۲		
۱۶- پیمان‌شکن	۱			
۱۷- کابوس	۱			۲
۱۸- نگاه تو		۱		
۱۹- سودای مجال	۱			
۲۰- سکوت سیاه		۲		۱
۲۱- سنگ کور	۱			۱
تعداد	۱۷	۲۰	۱	۴
درصد	۳۷/۱۷۷	۴۴/۴۴	۲/۲۲	۶/۶۶
مجموع کل			۴۵	

بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ❏ ۵۳

در شعر "تسکین"، مقوله‌های "تجسم‌گرایی و انسان‌پنداری" با بسامد ۵ بالاترین و مجموعه‌های "زن در زندان طلا"، "رقاصه"، "آتش دامنگیر" و "سکوت سیاه" با ۲ مورد فراوانی و مجموعه‌های "فرشته آزادی"، "بستر بیماری"، "نگاه آشنا"، "حریر ابر"، "اذان"، "آرزو" و "نگاه تو" با ۱ مورد کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

مقوله "تجریدگرایی" در مجموعه‌های "فرشته آزادی"، "هدیه نقره" (۲)، "ای زن" (۲)، "بستر بیماری"، "زن در زندان طلا"، "خون‌بها"، "جای پا"، "حریر ابر"، "اذان"، "موریا نه غم"، "پیمان‌شکن"، "کابوس"، "سودای محال" و "سنگ صبور" با فراوانی ۱ مشاهده گردید.

"حیوان‌پنداری" فقط در مجموعه "فرشته آزادی" با فراوانی ۱ رویت گردید. "عدم تجسم‌گرایی" (شی‌ءنگری) در اشعار "بستر بیماری"، "جای پا" و "سنگ کور" با فراوانی ۱ ملاحظه شد. مقوله "حس‌آمیزی" با بسامد ۲ در شعر "کابوس" و فراوانی ۱ در شعر "سکوت سیاه" مشاهده گردید. دیگر اشعار بدون فراهنجاری معنایی بوده‌اند. هنجارگریزی معنایی مشاهده شده مجموع اشعار سیمین بهبهانی شامل مقوله‌های "انسان‌پنداری" (۲۰)، "تجریدگرایی" (۱۴)، "عدم تجسم‌گرایی" (۳)، "حس‌آمیزی (۲)" و "حیوان‌پنداری" با فراوانی ۱ بوده است.

در هنجارگریزی نحوی اشعار سیمین، مقوله‌های "جابه‌جایی ارکان فعل مرکب"، "تقدم مسند بر مسندالیه"، "پیشوند فعلی مستعمل"، "تقدم فعل بر مفعول"، "تقدم فعل بر متمم"، "تقدم فعل بر فاعل"، "تقدم صفت بر موصوف" و "نشانه نفی" بررسی شد. بالاترین گونه هنجارگریزی نحوی مربوط به مقوله "جابه‌جایی ارکان فعل مرکب" با بسامد ۱۰، "تقدم مسند بر مسندالیه" و "تقدم فعل بر متمم" با ۷ مورد فراوانی و "تقدم فعل بر مفعول" با ۶ مورد بسامد گزارش شده است. دیگر مقوله‌ها: "تقدم صفت بر موصوف" با بسامد ۳ و "نشانه نفی" با فراوانی ۲ و "پیشوند فعلی مستعمل" حداقل نوع و "تقدم فعل بر فاعل" حد میانه آن‌ها قرار گرفته‌اند.

۵۴ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

جدول ۲. فراوانی و درصد هنجارگریزی نحوی در اشعار سیمین بهبهانی

فهرست آثار	تکرار فعل بر جای ارکان	تکرار مستثالیه تقدم مستند بر	تکرار مستعمل پیشوند فعلی	فعل بر مفعول تقدم	فعل بر متمم تقدم	فعل بر فاعل تقدم	صفت بر موصوف تقدم	تقدم نشانه نفی
۱- تسکین			۱				۱	
۲- فرشته آزادی	۱							
۳- ناشناس		۱						
۴- جیب بر		۱			۱			
۵- بستر بیماری			۱		۱			
۶- من با توام		۱						
۷- ای زن						۱		۱
۸- زن در زندان طلا			۱					
۹- معلم و شاگرد	۱	۱						
۱۰- رقاصه					۱			
۱- سرود نان	۱				۱			
۱۲- جای پا	۱			۱				
۱۳- اذان	۳							
۱۴- آرزو	۱							
۱۵- آتش دامنگیر			۱					
۱۶- کلاه نرگس	۱						۱	
۱۷- فریاد شکسته	۱	۱			۲			
۱۸- کاپوس				۱	۱			
۱۹- سودای محال			۱					
۲۰- سنگ صبور			۱					
۲۱- سه تار شکسته				۱				
۲۲- اگر دردی نباشد		۲						۱
۲۳- سکوت سیاه								۱
تعداد	۱۰	۷	۴	۶	۷	۴	۳	۲
درصد	٪۲۲/۷۲	٪۱۵/۹۰	٪۹/۰۹	٪۱۳/۶۳	٪۱۵/۹۰	٪۹/۰۹	٪۶/۸۱	٪۴/۵۴
مجموع کل				۴۴				

بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ۵۵

جدول ۳. فراوانی و درصد هنجارگریزی آوایی در اشعار سیمین بهبهانی

فهرست آثار	تخفیف	حذف	اسم صوت
۱- تسکین	۹		
۲- فرشته‌ی آزادی	۶		
۳- ناشناس	۶	۱	
۴- هدیه نقره	۳		۱
۵- جیب بر	۳	۱	
۶- بستر بیماری	۱	۳	
۷- من با توام	۳		
۸- ای زن	۶	۱	
۹- زن در زندان طلا		۱	
۱۰- آغوش رنج‌ها	۱		
۱۱- معلم و شاگرد	۱		
۱۲- نگاه آشنا		۳	
۱۳- رقاصه		۶	۱
۱۴- اذان		۱	
۱۵- موریانه غم	۲	۲	
۱۶- آتش دامنگیر	۲		
۱۷- شمع جمع	۲		
۱۸- ستاره در ساغر	۲		
۱۹- کلاه نرگس	۲	۲	
۲۰- پیمان‌شکن	۲		
۲۱- کاپوس		۱	
۲۲- نگاه تو	۲		
۲۳- سنگ صبور	۱	۱	
۲۴- سه تار شکسته		۲	
۲۵- اگر دردی نباشد	۱		
۲۶- سنگ کور	۱		
۲۷- بازیچه		۲	
تعداد	۵۸	۲۷	۲
درصد	۶۶/۶۶٪	۳۱/۰۳٪	۲/۲۹٪
مجموع کل	۸۷		

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال سیزدهم ❖ شماره ۲۹

۱۵۶ بررسی گونه‌های هنجارگزیزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

بالاترین هنجارگزیزی آوایی مربوط به شعر "تسکین" (۹)، "ناشناس" و "رقاصه" با ۷ مورد و "فرشته آزادی" با ۶ مورد فراوانی بوده است. کمترین بسامد (۱) مربوط به اشعار "آغوش رنج‌ها"، "معلم و شاگرد"، "اذان"، "کابوس" و "اگر دردی نباشد" مشاهده شد و مجموعه‌های "هدیه نقره"، "جیب بر"، "بستر بیماری"، "موریانه غم" و "کلاه نرگس" با ۴ مورد حد میانه این دو بوده‌اند. مجموعه اشعار "فوق‌العاده"، "خون‌بها"، "سرود نان"، "حریر ابر"، "آرزو"، "فریاد شکسته"، "سودای محال" و "سکوت سیاه" بدون هنجارگزیزی آوایی بوده‌اند. در مجموع ۵۸ مورد فرایند تخفیف آوایی، ۲۷ حذف، ۲ مورد اسم صوت و ۱ مورد ابدال آوایی در مجموعه اشعار بهیچانی مشاهده گردید.

"هنجارگزیزی زمانی" یا "باستانگرایی" با بسامد ۳۲، "هنجارگزیزی واژگانی" با فراوانی ۲۴، "هنجارگزیزی نوشتاری" و "هنجارگزیزی سبکی" به ترتیب با فراوانی ۹ و ۸ در مجموعه اشعار مشاهده گردید.

هنجارگزیزی واژگانی با ابداع ترکیبات نو در مجموعه "تسکین" با بیشترین فراوانی (۱۰)، "فوق‌العاده"، با فراوانی ۲ و مجموعه‌های "هدیه نقره"، "رقاصه"، "جای پا" و "اذان" با بسامد ۱ کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. در مجموعه‌های دیگر هنجارگزیزی واژگانی دیده نشد.

بیشترین هنجارگزیزی زمانی در اشعار "فرشته آزادی"، "هدیه نقره"، "ای زن"، "زن در زندان طلا"، "رقاصه"، "آغوش رنج‌ها" با فراوانی ۳ و کمترین در اشعار "بستر بیماری"، "فوق‌العاده"، "من با توأم"، "معلم و شاگرد"، "نگاه آشنا"، "موریانه غم" و "شمع جمع" با ۱ مورد بوده است. بقیه اشعار بدون کهن‌گرایی یا باستانگرایی بوده‌اند. در هنجارگزیزی سبکی در اشعار "فوق‌العاده"، "هدیه نقره"، "زن در زندان طلا"، "رقاصه"، "سرود نان"، "شمع جمع"، "ستاره در ساغر"، "پیمان‌شکن" با ۱ مورد ملاحظه به چشم می‌خورد. بقیه اشعار بدون هنجارگزیزی سبکی بوده‌اند.

هنجارگزیزی نوشتاری در مجموعه‌های "آرزو" با فراوانی ۴ بالاترین، "جیب بر" (۳) و "بستریبیماری" بعد از آن قرار دارد. مجموعه‌های "ای زن"، "معلم و شاگرد" با عدد ۱ کمترین مشاهده شد.

بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ۵۷

جدول ۴. فراوانی و درصد هنجارگریزی معنایی در اشعار سیمین بهبهانی

فهرست آثار	هنجارگریزی		
	واژگانی	زمانی	سبکی
۱- تسکین	۱۰	۱	
۲- فرشته‌ی آزادی		۳	
۳- فوق‌العاده	۲	۱	۱
۴- ناشناس		۳	
۵- هدیه نقره	۱	۳	۱
۶- جیب بر		۱	۲
۷- بستر بیماری		۲	۱
۸- من با توام	۳	۱	
۹- ای زن		۳	۱
۱۰- زن در زندان طلا		۳	۱
۱۱- خون‌بها			
۱۲- آغوش رنج‌ها		۳	
۱۳- معلم و شاگرد		۱	۱
۱۴- نگاه آشنا		۱	
۱۵- رقاصه	۱	۳	۱
۱۶- سرود نان		۱	
۱۷- جای پا			۱
۱۸- اذان			۱
۱۹- آرزو			۴
۲۰- موریانه غم		۱	
۲۱- شمع جمع		۱	۱
۲۲- ستاره در ساغر		۲	۱
۲۳- پیمان‌شکن			۱
۲۴- نگاه تو			۲
۲۵- سنگ صبور		۱	
۲۶- اگر دردی نباشد		۱	
تعداد	۲۴	۳۲	۸
درصد	٪۲۴	٪۳۲	٪۸

۵۸ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

جدول ۵. فراوانی و درصد انواع هنجارگریزی و قاعده‌کاهی در اشعار سیمین بهبهانی

انواع قاعده‌کاهی	آوایی	معنایی	نحوی	زمانی	واژگانی	نوشتاری	سبکی
فراوانی	۸۷	۴۵	۴۴	۳۲	۲۴	۹	۸
درصد	۳۴/۹۳	۱۸/۰۷	۱۷/۶۷	۱۲/۸۵	۹/۶۳	۳/۶۱	۳/۲۱

در جدول ۵ انواع هنجارگریزی‌ها به همراه فراوانی و درصد ارائه شده‌اند. در مجموع بیشترین جایگاه متعلق به قاعده‌کاهی آوایی با ۳۴/۹۳٪ بوده است. هنجارگریزی‌های معنایی و نحوی با ۱۸/۰۷٪ و ۱۷/۶۷٪ در مکان دوم قرار گرفته‌اند. هنجارگریزی زمانی و واژگانی با ۱۲/۸۵ و ۹/۶۳٪ در جایگاه سوم و چهارم و زمانی و مکانی با ۳/۶۱٪ و ۳/۲۱٪ در مرتبه آخر قرار دارند.

۷- بحث و بررسی

در مجموع شعر "تسکین" با ۲۷ فراوانی بالاترین هنجارگریزی و "فوق‌العاده"، " (۴)، سرود نان" و "سه تار شکسته" با ۳ فراوانی، "حریر ابر"، "سودای محال" و "بازیچه" با مورد ۲ فراوانی و "خون‌بها با ۱ مورد حداقل نوع هنجارگریزی‌ها را داشته‌اند. مجموعه‌های "رقاصه" (۱۵)، "ای زن" (۱۴)، بستر بیماری (۱۳)، "ناشناس" و "فرشته آزادی" با ۱۱ مورد بسامد حد میانه بوده‌اند.

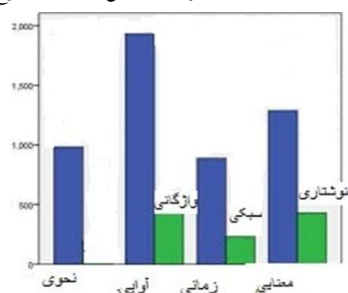
به طور کلی در اشعار بررسی شده، هنجارگریزی آوایی (با فراوانی ۸۷)، هنجارگریزی معنایی (۴۵)، هنجارگریزی نحوی (۴۴)، هنجارگریزی زمانی (۳۲)، هنجارگریزی واژگانی (۲۴)، هنجارگریزی نوشتاری (۹) و هنجارگریزی سبکی (۸) به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. در مجموعه‌های "زن در زندان طلا" و "سه تار شکسته" به ترتیب یک مورد تشدید مخفف و یک مورد اشباع مشاهده شد.

بررسی هنجارگریزی‌ها در شعر سیمین بهبهانی نشان می‌دهد که وی فراوانی از هنجارهای آوایی تخطی کرده که اکثر در فرایندهای تخفیف و حذف در شعر وی نمایان است که و بیشترین تغییرات آوایی را به شعر خود بخشیده است. وی در حوزه‌های دیگر نیز به

هنجارگریزی دست زده است.

بهبهانی با آگاهی بر ظرفیت‌های زبان فارسی در ترکیب‌پذیری واژه‌ها، صفت‌های مشتق جدید فراوانی ساخته است. به شیوه بیان نیز توجه خاصی داشته و از این طریق، برجستگی کلام خود را دوچندان کرده است. وی با بهره جستن از هنجارگریزی واژگانی، که یکی از انواع هنجارگریزی‌هاست، موجب غنای هر چه بیشتر زبانش گشته، بی‌شک توسل به چنین امکانات زبانی، تنها در سایه قدرت انکارنشدنی زبان فارسی از رهگذر ترکیب‌پذیری، میسر است. پر بسامدترین واژه‌های ابداعی در اشعار وی، اسم و صفت مرکب هستند.

سیمین بهبهانی شاعری است که در غزلیات خود به وفور از قاعده‌افزایی و قاعده‌کاهی استفاده کرده است. نمودار به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها به شرح زیر می‌باشد:



نمودار ۱. بسامد وقوع هنجارگریزی‌ها در شعر سیمین بهبهانی

همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، بالاترین هنجارگریزی در حوزه آوایی انجام شده است و قاعده‌کاهی‌های معنایی، نحوی، زمانی، واژگانی به ترتیب در مرتبه دوم تا پنجم قرار دارند. هنجارگریزی‌های نوشتاری و سبکی در جایگاه ششم و هفتم قرار دارند.

۶۰ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

نتیجه‌گیری

شیوایی شعر و زیبایی کلمات سیمین بهبهانی در خدمت مفاهیم متعالی شعرش بود و ضمن توجه به محتوا و زیبایی ساختاری و صوری، انتقال پیام مشخص را در سرودن شعرش مد نظر داشت و این‌گونه رسالت شاعری خود را با توجه به دردها و سیاست‌های حاکم بر جامعه خود به خوبی انجام داده است. وی از چهره‌های ماندگار و شاعر ارزنده رئالیست و صاحب سبک در عرصه غزل فارسی و همچنین از زنان پیشرو و سنت‌ستیز معاصر است که در زمینه حقوق بشر به فعالیت پرداخته و در آثارش به وضوح می‌توان مبارزه با ناهنجاری‌ها و پیراستن جامعه از آسیب‌های اجتماعی را دید. زبان و احساس خاص زنانه بر گرفته از ویژگی‌های عاطفی و عاشقانه مهم‌ترین ویژگی سبک ادبی این شاعر بزرگ است.

بسامد نسبتاً بالای انواع هنجارگریزی‌های آوایی زنده‌یاد سیمین بهبهانی به ایجاد پاره‌ای از امتیازات منحصر به فرد سبکی در بخش موسیقایی و آهنگین شعر وی منجر شده است. بسامد قاعده گاهی معنایی نیز نشانه آن است که زبان مجازی درصد قابل توجهی را شامل می‌شود. ارزش ادبی استعاره و کنایه به دلیل آنکه نشانگر قدرت خیال‌پردازی و اندیشه‌های ابتکارانه و خلاقانه‌ی شاعر است، همواره بیش از مجاز از مقبولیت بیشتری برخوردار بوده است. شعر سیمین، از نظر تشبیه، بسیار غنی است. کمتر تشبیهی می‌توان در اشعار او یافت که حاکی از دیدی نو نسبت به اشیا و کشف روابط تازه در میان آن‌ها نباشد. اصولاً تشبیه بر گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیا کشف می‌کند و در صور مختلف به بیان می‌آورد. (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴).

وی در حوزه واژگانی، با ساخت واژه‌ها و ترکیبات جدید بر بار بدعت کلام خود افزوده است. او با استعمال واژه‌های کهن و اسامی اسطوره‌های و در حوزه فعل با افعالی با ساختار کهن از هنجارگریزی باستانی استفاده کرده است. نوع دیگر، هنجارگریزی نحوی است که به صورت‌های ذکر فعل در اول جمله، ذکر فعل بین موصوف و صفت و عطف و معطوف، ذکر فعل بعد از متمم و مفعول، تقدم صفت بر موصوف و مسند بر مسندالیه، فعل بر مفعول، جابه‌جایی ارکان فعل مرکب و حذف، ساختار متداول جمله‌ها را تغییر داده است. حوزه دیگری

❖ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال سیزدهم ❖ شماره ۲۹

بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها... ۶۱

که بهبهانی، در آن دست به هنجارگریزی زده است حوزه نوشتاری است که در اشعارش نمونه زیادی ندارد. وی با تغییر اندک در ساختار متداول نوشتار نیز دست به هنجارگریزی زده است تا مفهوم مورد نظر خود را بهتر القا کند. او شیوه متفاوتی را برای نوشتن به کار نبرده در واقع از روش شاعران پیش از خود سود برده است. این در حالی است که شیوه‌های دیگر عدول از زبان معیار که در تقسیم‌بندی هشت‌گانه لیچ از انواع هنجارگریزی جای دارد؛ یعنی هنجارگریزی نوشتاری و سبکی، در شعر وی کمتر دیده می‌شود. وی در زمینه قاعده‌کاهی گویشی هیچ عدولی نداشته است. در این آثار بهبهانی از واژگان بیگانه و گویشی بهره نبرده است.

۶۲ بررسی گونه‌های هنجارگریزی زبانی و بسامد وقوع آنها...

منابع و مأخذ

- ۱- احمدی، بابک. آفرینش و آزادی. چاپ پنجم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- ۲- اناری بزجلی، ابراهیم؛ مقیاسی، حسن؛ فراهانی، سمیرا. هنجارگریزی معنایی قرآن در شعر محمد عقیقی مطر. مجله‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۵، ۱۳۹۱، صص ۷۷۴۷.
- ۳- بهار، محمدتقی. سبک‌شناسی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- ۴- پورنامداریان، تقی. سفر در مه. چاپ دوم، تهران: نگاه، ۱۳۸۱.
- ۵- پهلوان نژاد، محمدرضا؛ ظاهری بیرگانی، نسرین. بررسی هنجارگریزی در شعر شفيعی کدکنی بر مبنای الگوی لیچ. مجله پژوهش علوم انسانی، سال دهم، شماره ۲۵، ۱۳۸۸، صص ۱۲۷-۱۱۳.
- ۶- داد، سیما. فرهنگ اصطلاحات ادبی. چاپ سوم، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۵.
- ۷- دبیرمقدم، محمد؛ کاظمی، ابراهیم. مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی. چاپ اول، تهران: علامه طباطبائی، ۱۳۷۹.
- ۸- دیچز، دیوید. شیوه‌های نقد ادبی. چاپ سوم، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۳.
- ۹- رضایی، آرزو. بررسی زبان‌شناختی ویژگی‌های سبکی اشعار نیما یوشیج با توجه به بسامد آماری گونه‌های هنجارگریزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۷۶.
- ۱۰- روحانی، مسعود؛ عنایتی قادیکلایی، محمد. بررسی آشنایی‌زدایی و هنجارگریزی‌دستوری در شعر منوچهر آتش. ۲۳ فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۴، صص ۴۴۳۳.
- ۱۱- زرین‌کوب، عبدالحسین. نقد ادبی. چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱.
- ۱۲- سنگری، محمدرضا. هنجارگریزی و فراهنجاری در شعر. مجله رشد آموزش زبان و ادب پارسی، شماره ۶۴، ۱۳۸۶، صص ۴۹.
- ۱۳- شریفیان، مهدی. پوینده‌پور، اعظم. ~~(۱۳۸۷)~~ ذهن و زبان سیمین بهبهانی. پیک نور، سال هشتم، شماره دوم، ۱۳۸۷.
- ۱۴- شمیسا، سیروس. ~~(۱۳۸۱)~~ نقد ادبی. تهران: فردوس، ۱۳۸۱.
- ۱۵- صادقی، علی‌اشرف. مسائل نثر فارسی. نخستین سمینار صدا و سیما.
- ۱۶- صالح، گلرین. ~~(۱۳۸۹)~~ قاعده‌کاهی در نثر گلشیری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی زبان‌شناختی. سال اول، شماره اول، ۱۳۸۹، صص ۴۳.
- ۱۷- صالحی‌نیا، مریم. ~~(۱۳۸۴)~~ هنجارگریزی نوشتاری در شعر امروز. فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره اول، ۱۳۸۹، صص ۸۳-۴۹۴۹۳.
- ۱۸- صفوی، کوروش. ~~(۱۳۷۳)~~ از زبان‌شناسی به ادبیات. جلد ۱ (نظم)، چاپ دوم، تهران: انتشارات چشمه، ۱۳۷۳.
- ۱۹- صفوی، کوروش. ~~(۱۳۸۴)~~ از زبان‌شناسی به ادبیات. جلد ۲ (شعر)، چاپ اول، تهران: انتشارات

Formatted: Font: Not Bold, Complex Script Font: Not Bold

Formatted: Font: Not Bold, Complex Script Font: Not Bold

❖ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال سیزدهم ❖ شماره ۲۹